

اعوانی هر امری را درچارچوب حکمت به سنجش می‌گیرد/فیلسوف دردمند است

داوری اردکانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: فلسفه لفظ نیست، درد است و در جان قرار دارد. فیلسوف دردمند است.



داوری اردکانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: فلسفه لفظ نیست، درد است و در جان قرار دارد. فیلسوف دردمند است.

به گزارش خبرنگارمهر، مراسم رونمایی از کتاب «آفاق فکرت در سپهر فطرت» مجموعه گفتگوهای حامد زارع با غلامرضا اعوانی عصر روزگذشته یکشنبه هشتم دی ماه، در کافه کتاب ققنوس برگزار شد.

همچنین در این مراسم، از تجدید چاپ کتاب های آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ (گفتگوی حامد زارع با رضا داوری اردکانی) و آفاق معرفت در سپهر معنویت (گفتگوی حامد زارع غلامحسین ابراهیمی دینانی) رونمایی شد.

چاپ جدید «آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ» به نمایشگاه کتاب می رسد

در ابتدای این مراسم، حامد زارع که گفتگوهای این مجموعه را به عهده داشته است گفت: در ابتدا مایلم عرض کنم که جای یک کتاب و یک متفکر در این جمع خالی است. جای کتاب «آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ» که شامل گفتگوهای بنده با دکتر رضا داوری اردکانی است به علت دقت نظر و روحیه مکتوب گرایی که استاد دارند در این جمع خالی است و رونمایی از چاپ دوم آن به این جلسه ارجمند نرسید. منتها این مژده را می دهم که چاپ دوم آن، یک چاپ جدید خواهد بود و علاوه بر مقدمه تازه، فصل مفصلی درباره احمد فردید و جلال آل احمد به کتاب افزوده شده است. امیدوارم با مساعدت انتشارات ققنوس، این کتاب به نمایشگاه کتاب سال آینده برسد.

وی افزود: دکتر داوری اردکانی به دلیل یک گذار حساس از فلسفه به علوم اجتماعی و به دست گرفتن تولیدات عبور از ایدئولوژی اندیشی به اندیشیدن در باب توسعه، جایگاهی بسیار ممتاز در عرصه تفکر معاصر ایران دارد. جایگاهی که اگر چه گاهی برای آنانی که با فیلتر سیاست فکر می کنند، سوءتفاهم برانگیز شده، اما بدون تردید حاوی دقیق ترین طرح مسئله ها و ظرفیت ترین رویکردها در باب آینده ایران است. امیدوارم چاپ جدید کتاب گفتگو با ایشان در آینده نزدیک بتواند مبین این جایگاه خطیر باشد. اما شاید همه حاضران در جمع حاضر هم با من هم رأی باشند که جای مشهورترین فیلسوف حال حاضر ایران که آوازه نام ایشان از سر حداث سرزمینی ایران و مرزهای جهان اسلام و دنیای متجدد هم گذشته است در این جلسه خالی است. دکتر سید حسین نصر، رئیس دپارتمان اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن و قطب حاضر طریقه مریمیه که واپسین سنت گرای نامدار دنیا محسوب می شوند و بنا به دلایلی کهنه از حضور در ایران محروم هستند، اما این فقدان به هیچ وجه مایه ناامیدی و ناسپاسی ایشان نشده و همواره عشق به ایران زمین و معاریف و مشاهیر فکری و معرفتی این سرزمین در قلب ایشان زنده است.

زارع ادامه داد: کتاب «آفاق حکمت در سپهر سنت» نمادی روشن و مبرهن از این زندگی است. کاش امروز میزبان ایشان در این خانه تاریخی زیبا بودیم. اما چرا نیستیم؟ دو دهه پیش نصر در پاسخ به چرایی پذیرش ریاست دفتر مخصوص ملکه به رامین جهاننگلو گفت: این امر را پذیرفتم چرا که پای آینده کشور در میان بود نه اینکه در آن زمانه پرخطر این کار را از سر بلندپروازی و ورود به عرصه سیاست یا چیزی مانند آن کرده باشم. زیرا احساس می کردم که تنها کسی بودم که می توانستم همچون میانجی به ایجاد موقعیتی کمک کنم که در آن مثلاً آیت الله خمینی با شاه مصالحه کنند و نوعی «حکومت سلطنتی اسلامی» برپا گردد که در آن علما نیز درباره امور مملکتی اظهار نظر کنند اما ساختار کشور دچار تحول نشود. بسیاری از علما نیز هدفی جز این در ذهن نداشتند». بیست سال بعد به همان پرسش این بار به نگارنده این گونه پاسخ داد: چون این کار را در آن زمان یک وظیفه ملی و حتی دینی دانستم و شاید هم اشتباه کردم. بلکه بگویم حتماً اشتباه کردم وگرنه این گونه چوب آن را نمی خوردم». (۱۳۹۳- صفحه ۳۲۳) مقایسه این دو پاسخ به یک پرسش مشخص به خوبی می تواند نشان دهنده این نکته باشد که باید تسامح بیشتری در برخورد با اندیشمندان داشت که نه تنها به تصمیم اشتباه چهل سال پیش خود اذعان می کند بلکه از زمان ترک کردن ایران، لسان و رساله هایش جز برای اسلام و ایران به کار نگرفته است. امید که این تجربه به زودی پایان پذیرد و سید حسین نصر بار دیگر پله های درگاه ورودی انجمن حکمت و فلسفه در خیابان آراکلیان را بپیماید و شرح گلشن راز را دوباره برای علاقه مندان بگوید.

این روزنامه نگار اضافه کرد: اما کتاب دیگری که امروز تجدید چاپ آن رونمایی می شود، «آفاق معرفت در سپهر معنویت» است که متشکل بر مجموعه گفتگوهایم با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی است. فیلسوفی صریح که در دفاع از خود و کاربست آن بسیار بی ملاحظه است. دینانی لحاظ هیچ خط و خطری را برای دفاع از عقلانیت نمی کند و به همین خاطر با روحیه ای ارسطویی و بیانی این سینیایی همواره در باب فضل تقدم و تقدم فضل عقل سخن می گوید. این رویکرد سینیایی استناد دینانی گاهی در برابر رویکردهای سهروردی گرایانه و صدراگرایانه نیز قرار می گیرد. ایشان همواره هوادار نگاه عقلایی در برابر نگاه حکمایی است، نگاهی که در ایران کربن، نصر و غلامرضا اعوانی مروج آن بوده و هستند. دکتر غلامرضا اعوانی که امروز مجلس رونمایی از کتاب گفتگویم با ایشان با عنوان «آفاق فکرت در سپهر فطرت» برپاست، نماینده نگاه حکمایی در سپر فلسفی ایران معاصر است و طبیعی است که همواره در برابر این نگاه حکمایی و افلاطونی، نگاه عقلایی و ارسطویی صف آرایی کرده است.

وی افزود: نگاهی که دکتر ابراهیمی دینانی، نماینده آن است و بارها جلسات خصوصی که با حضور این دو نماینده شاخص نگاه حکمایی و عقلایی تشکیل شده را تبدیل به صحنه رویارویی فکری و حتی جدال جدی حکمت و فکرت کرده است. راقم این سطور که این سعادت را داشته که در برخی این جلسات حضور داشته باشد، همواره با دیدن و شنیدن صحنه های ماندگار جدال دو نماینده اندیشه حکمایی و عقلایی، گاه و بی گاه نقاشی مشهور و جاودانه رافائل بر دیوار کتابخانه پاپ جولیس دوم در واتیکان که در آن افلاطون با دستانی رو به آسمان و ارسطو با دستانی رو به زمین به تصویر کشیده شده اند در ذهنش نقش می بندد. در همه لحظاتی که این مجادلات و مناظرات ادامه دارد. روی سخن اعوانی به آسمان و روی سخن ابراهیمی دینانی معطوف به زمین است و هیچیک از موضع و منظر خویش پا پس نمی گذارند و با این مداومت به حضار در جلسه فیض می رساند.

زارع در پایان گفت: غلامرضا اعوانی در منش و روش خود به حکومت پایبند است. هر امری را در چارچوب حکمت به سنجش می گیرد. او دین و علم را نیز از منظر حکمت به رسمیت می شناسد و به همین سبب در نظام فکری خود دچار تنش میان مسائل علمی در مواجهه با بازوهای دینی نمی شود. البته این یگانگی علم و دین نزد اعوانی ادله ای بر عدم پیچیدگی تفکر او به حساب نمی آید و به نظر می رسد اعوانی در عین سادگی، یکی از پیچیده ترین متفکران معاصر ایران محسوب می شود. چه اینکه به اعتقاد اعوانی باطن دین مبتنی بر علم و حکمت است و دین در صدد است تا فهم انسان را هدایت کند. از دیدگاه اعوانی هنگامی که انسان هدایت پذیر است، درست نقطه و جایگاهی است که به علم رسیده است. بدین ترتیب می توان مشاهده کرد که یگانگی علم و دین نزد اعوانی دارای مراتب است و این در حالی است که حکمت به مثابه راه راستین فهم دین و علم، ذاتی مبتنی بر معرفت دارد. اگر گوهر دین و علم را نیز معرفت بدانیم، متوجه پیچیدگی نگرش اعوانی در عین ظاهر ساده آن خواهیم شد.

اعوانی بیشتر به نوشتن بپردازد

پس از سخنرانی زارع، پیام صوتی سیدحسین نصر خطاب به حضار در جلسه پخش شد. نصر گفت: برای این بنده جای نهایت خرسندی است که قبلاً از راه این گفتار، از دور، سلامی خدمت همه دوستانی که گردهم آمده اند عرض کنم و برای همه دعای سلامتی و توفیق از درگاه خداوند انجام دهم. خیلی خوشحالم که آقای حامد زارع که جوانی کوشا، پرکار و صدیقی در کارهای علمی هستند، توانسته اند کتاب جدید و تازه ای را مبتنی بر گفتگویشان با دوست عزیزم آقای دکتر غلامرضا اعوانی به طبع برسانند. اولاً از ایشان تشکر می کنم که کتاب «آفاق حکمت در سپهر سنت» خود بنده را تجدید چاپ کرده اند و امروز قرار است چاپ سوم آن رونمایی شود. ولی بیش از همه خوشحالم که ایشان به دنبال گفتگو با آقای دکتر اعوانی رفتند و ایشان هم پذیرفتند و کتاب «آفاق فکرت در سپهر فطرت» اکنون به حلیه طبع آراسته شده است.

وی افزود: بیشتر دوستان می دانند که بنده صله دوستی و مودت طولی با آقای دکتر غلامرضا اعوانی دارم. در سال ۱۹۶۴، هنگامی که در دانشگاه آمریکایی بیروت، درس اسلام شناسی می دادم، ایشان در کلاس بنده حضور یافتند و از آن وقت به بعد، صله عمیق علمی، فکری، روحی و انسانی بین ما وجود داشته و دارد. ایشان خدمات بسیار ارزنده ای به فلسفه اسلامی و حکمت و معارف عقلی نه تنها در ایران بلکه (در عرصه) معارف عقلی اسلامی انجام داده اند. سفرهای متعدد بین المللی و داخلی، سخنرانی های گوناگون و کلاس های درس بی شمار، ثمر این دانش بسیار ارزنده ای است که ایشان به عنوان ولی از جانب حق در قلب و فکر خود جای داده اند.

استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشینگتن ایالات متحده آمریکا اضافه کرد: مخصوصاً می خواستم این نکته را

متذکر شوم که چندین سال است به ایشان فشار می آورم که بیشتر به نوشتن آثار بپردازند. به این دلیل که قلمی توانا دارند و با وضوح و روشنی می توانند مسائل مشکل فلسفی و عرفانی و حکمی را بیان کنند. خوشحالم که این نصیحت بنده را پذیرفتند و در دو- سه سال گذشته چند کتاب مهم به قلم ایشان تحریر شده و به دست ما رسیده است. امیدوارم که این کتاب جدید (نیز) یک خدمت مهم در بهتر شناساندن افکار عمیق فلسفه سنتی و عرفان و حکمت ما، هم در خود، هم در تقابل با تفکر غربی و چالش هایی که اکنون جامعه اسلامی از لحاظ فکری با آن روبرو است، باشد. برای همه شرکت کنندگان در این جلسه آرزوی سلامتی و توفیق می کنم و از درگاه خداوند متعال خواهانم که همواره در ایران، مشعل حکمت و فلسفه و عرفان و دانش راستین روشن و تابان نگاه داشته شود.

عالم فلسفه بر پایه اختلاف است

پس از پخش پیام نصر، داوری اردکانی گفت: آقای زارع کارهای خوبی کردند و مجموعه گفتگوهایی با افرادی انجام دادند که با وجود اختلافاتی که دارند اما با یکدیگر قرابت و هم سخنی دارند. رابطه من و آقای اعوانی یک رابطه خاص است و من هم مثل آقای نصر امیدوارم که آقای اعوانی بیشتر بنویسند. یک روز در جایی از فضائل ایشان می گفتم و یکدفعه کسی گفت مگر شما باهم اختلاف نظر ندارید و من پاسخ دادم: عالم فلسفه بر پایه اختلاف است و در فلسفه دو نفر را پیدا نمی کنید که باهم اتحاد نظر داشته باشند.

وی افزود: آقای اعوانی افلاطونی هستند، ایشان با افلاطون تفکر می کنند و مأنوس هستند و ایشان را اسوه تفکر می دانند. فلسفه لفظ نیست، درد است و در جان قرار دارد. فیلسوف دردمند است. من ارسطویی هستم اما نه به اندازه ای که اعوانی افلاطونی است. اختلافات جدی میان ارسطو و افلاطون وجود دارد؛ رابطه من و اعوانی هم به نوعی رابطه ارسطو و افلاطون در مقیاس خودمان است. وظیفه من است که به آقای اعوانی احترام کنم چون باید به فلسفه احترام بگذارم. یکی از تفاوت های من و اعوانی در این است که بنده به مسائل روز و اجتماعی بیشتر ورود می کنم. یک زمانی حدود یکسال در آمریکا زندگی کردم و خواستم کتابی درباره فلسفه معاصر ایران بنویسم ولی نتوانستم چون در آن زمان ذهنم درگیر زمان و مکان دیگری بود. علاقه من به اخلاق و سیاست به دوره جوانی ام برمی گردد. البته علاقه به سیاست نه از آن جنبه که وارد سیاست شوم و کارهای سیاسی کنم بلکه به این معنا که برایم خیلی اهمیت داشت. همانطور که هایدگر هم برای من خیلی اهمیت دارد و کتاب اخلاق نیکوماخوس بنظرم بزرگترین کتاب است.

رئیس فرهنگستان علوم ادامه داد: فلسفه یونانی جدا از سیاست نیست و همین فلسفه با افلاطون و ارسطو به واج خودش می رسد. اگرچه فلسفه یونانی با سیاست در ارتباط است ولی فلسفه در دیار ما با سیاست ارتباط نگرفت و اثر نگذاشت همانطور که در آداب، اخلاق و قانون ما هم تأثیر نگذاشت. من همواره به این موضوع فکر می کنم که آیا فلسفه در متن تاریخ ما وارد شده است یا نه؟ خیلی سال پیش کتابی هم با عنوان «مقام فلسفه در تاریخ دوره اسلامی» نوشته ام که در آن به این موضوع پرداخته ام. یک وقتی فکر می کردم که فلسفه در متن تاریخ ما وارد شده اما بعدها تأمل بیشتری کردم و همچنان دارم فکر می کنم که فلسفه با ما چه کرده و در دیار ما به کجا رسیده است؟ در اینکه ما فیلسوفان بزرگی داریم تردیدی نیست ولی اینکه فلسفه چه مقامی در تاریخ ما پیدا کرده مسئله دیگری است.

این چهره ماندگار فلسفه تصریح کرد: بنظرم آقای اعوانی با تسلطی که بر فلسفه و دین دارند می توانند کمک کنند که ما بدانیم فلسفه در دیار ما چه کرده و چه نقشی در زندگی ما داشته است؟ چون ما تنها قومی در خارج از اروپا هستیم که به فلسفه یونانی توجه کرده ایم چرا؟ چون طالب داشتیم و جستجو می کردیم. لازم است که امروز به سوالاتی از قبیل فلسفه با فهم امروز چه کرده است پاسخ دهیم و به آنها فکر کنیم. شاید برخی بگویند چرا فقط طرح سوال می کنی؟ من هم می گویم نادان همیشه سوال می کند شما هم اگر می توانید پاسخ دهید.

پس از سخنان داوری اردکانی، پیام غلامحسین ابراهیمی دینانی، دیگر چهره ماندگار فلسفه که بخاطر مشکلی که پیش آمده بود در جلسه حضور نداشت پخش شد. وی در این پیام کوتاه گفت: آقای زارع کار بسیار خوبی انجام داده است. خداوند در قرآن هم کلمه آفاق را به کار برده است. آفاق خداوند حکمت است. کارهای خوبی درباره حکمت صورت گرفته چون ایران کشور حکمت است. از گذشته هم کشور حکمت بوده و کشور حکمت هم باقی خواهد ماند.

حکمت، نور مطلق است

غلامرضا اعوانی، دیگر سخنران این مراسم گفت: من همیشه آقای داوری را برادر بزرگ فلسفه می دانم. ایشان بنده را متهم به افلاطونی بودن می کنند اما واقعیت این است که ایشان هم به اندازه من افلاطونی هستند همانطور که من هم به اندازه ایشان ارسطویی هستم.

وی افزود: حکمت نورالهی است و اگر نباشد ظلمت است. ما علم مطلق داریم که نور مطلق است. نور مطلق حکمت است و حکمت مشترک لفظی نیست. ما حکمت را در همه زمان ها به یک معنا ترجمه و تفسیر می کنیم بنابراین حکمت، علم مطلق است. دین هم بر مبنای حکمت است. حکمت غرب و شرق ندارد. حکمت انسان را انسان می کند. کاربرد همه علوم دنیوی است ولی علمی که با انسان می ماند و انسان را انسان می کند حکمت است. در میان همه کشورهای اسلامی هیچ جا جز ایران حکمت نیست. حتی مخالفان حکمت مثل فخر رازی و غزالی هم از ایران بودند.

این چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: قرآن انبیا را معلمان حکمت می داند. فهم کتاب بدون حکمت امکان ندارد. یکی از کارهای بزرگی که حکمای ما کردند توفیق میان حکمت رسمی و حکمت ایمانی بود. اما راه غرب با راه ما درباره حکمت فرق دارد. معمولاً حکمت را با فلسفه یکی می گرفتند در حالیکه اینطور نیست. در غرب فلسفه دنیوی شده و جنبه الهی آن کم شده و حکیم الهی در غرب نداریم.

اعوانی تصریح کرد: ارسطو کارهای بسیار زیادی کرده که از آن غفلت شده مثلاً او استاد اسکندر بوده و او را جهانی کرده است. پس از آن زبان یونانی هم بین المللی شد. اناجیل چهارگانه به زبان یونانی نوشته شده است. فیلسوف کسی است که درباره مسائل بیندیشد. فلسفه اسلامی مسائل زیادی دارد. ایران سهم زیادی در حکمت داشت که باید آن را پاس داشت. یک زمانی در هاروارد نمی شد اسم حکیم را ببریم ولی امروز در همانجا دپارتمان فلسفه شرق تأسیس شده است. خلاصه که حکمت یونانی نیست نور آن در همه جا هست. در پایان آقای زارع خیلی تشکر می کنم چون وقت بسیار زیادی برای مصاحب گذاشتند و خیلی شسته و رفته کار را انجام دادند. ایشان با کارشان به نوعی ما را به نطق درآوردند و به نوعی پنهان های فکری ما را به قلم درآوردند.

در ادامه شهین اعوانی گفت: وقتی پیام سید حسین نصر پخش شد من یاد زمان تأسیس انجمن حکمت و فلسفه افتادم و اینکه چرا ایشان این انجمن را تأسیس کردند. آن زمان من دانشجو بودم و یادم هست که دکتر نصر در یک روزنامه یا نشریه ای نوشته بودند مملکتی که برای اسب ولیعهد انجمن شاهنشاهی دارد چرا نباید برای حکمت و فلسفه که مهد آن ایران است انجمن داشته باشد؟ درست بعد از همین گفته ایشان را خواستند و تأسیس انجمن شکل گرفت و به نظر من هنوز هم که هست با وجود تغییراتی که انجمن کرده، توانسته هویت خودش را حفظ کند.

آخرین سخنران مراسم، منوچهر صدوقی سها بود. وی تاریخچه کوتاهی از سابقه آشنایی خود با غلامرضا اعوانی ذکر کرد و گفت: دوستی من و آقای اعوانی دوستی ۳۵ ساله است و برای اولین بار با ایشان در مرکز مطالعات عمومی دانشگاه صنعتی شریف که آقای پورجوادی در آن زمان ریاست این مرکز را به عهده داشتند آشنا شدم.

صدوقی سها در ادامه به ذکر دو خاطره از دوستی و رفاقت خود با اعوانی پرداخت و سپس جلسه خاتمه یافت.